

نواز شریف و عمران خان، نخست‌وزیران سابق پاکستان، ادعای پیروزی در رأی‌گیری می‌کنند

یک انتخابات و ۲ مدعی

با گذشت چهار روز از انتخابات پاکستان هنوز نتیجه قطعی این انتخابات مشخص نیست و نواز شریف و عمران خان، دو نخست‌وزیر سابق این کشور، هرکدام مدعی پیروزی در این انتخابات هستند. در همین حال فرمانده قدرتمند ارتش پاکستان خواستار دوری از سیاست «آتارشی و قطبی‌سازی» شده و...

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ • ۲ شعبان ۱۴۴۵ • ۱۲ فوریه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۷۰ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان



یادداشتی از احمد مسجدجامعی

غصب حافظه عمومی

دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم از عبدالوهاب محمد المسیری، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، یکی از آثار مهم درباره فلسطین بود که در سال‌های حضور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتشر شد. این اثر که رویکردی تاریخی و جامعه‌شناسانه داشت، بیان می‌کرد که ...

صفحه ۱۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: تداوم ترکیب شکست‌خورده؛ تاج و قلعه‌نویی | نفس‌تنگی بورس | ادامه تلاش‌ها برای محدودسازی فضا و فعالیت‌ها؛ اتهام زندگی شبانه

اتوبوس‌های برقی از خیال تا واقعیت

نگاهی به ماجرای دریافت مالیات از اینفلوئنسرها و چالش‌های جدید مالیاتی

گره عدم شفافیت مالیاتی

نگاهی به اهمیت ساخت فیلم بیوگرافی شخصیت‌هایی که روی پرده جان می‌گیرند

بیانیه تحلیلی خطاب به دغدغه‌مندان توسعه و مردم‌سالاری درباره انتخابات ۱۴۰۲

روزنه‌گشایی کنیم

آنچه گذشت

جوشیدن محتوای دیگ یادداشتی از امیر سیدین

یادداشت

روسیه و گاز شمال ایران



با توجه به افزایش شکاف‌ها و بروز تنش‌های جدید میان ایران و آمریکا و اتحادیه اروپا، در سال‌های اخیر نزدیکی روابط دولت جمهوری اسلامی با چین و روسیه به یکی از مختصات والته آرزوهای سیاست خارجی کشور مبدل شده و براساس این امضای «اعلام قرارداد ۲۵ساله ایران و چین» و سپس احتمال امضای سند راهبردی یا «قرارداد ۲۰ساله ایران و روسیه» از جمله سیاست‌هایی است که دولت در پیش گرفته است؛ بی‌آنکه جزئیات روشنی از محتوای این قرارداد یا قراردادهای احتمالی در اختیار افکار عمومی قرار داده شود. در دولت خاتمی و در سال ۲۰۰۱ میان ایران و روسیه قراردادی ۱۰ساله برای همکاری‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی منعقد شد و طرفین توافق کردند در صورت اتمام زمان ۱۰ساله قرارداد در صورتی که هریک از طرفین دست‌کم یک سال قبل از پایان اعتبار قرارداد ۱۰ساله به صورت کتبی طرف دیگر را از قصد خود درباره قطع اعتبار متعهد مطلع کنند، خودبه‌خود برای دوره‌های پنج‌ساله بعدی تمدید می‌شود. این قرارداد تاکنون سه بار به طور خودکار تمدید شده است که آخرین بار آن مربوط به اسفند سال ۱۳۹۹ است. برخی خیرها حاکی است که در دولت جدید نیز پیش‌نویسی برای توافق‌نامه جدیدی در دست بررسی است. حتی سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در این باره گفت: «توافق‌نامه جامع همکاری‌های بلندمدت تهران-مسکو نهایی شده است و در آینده نزدیک امضا خواهد شد». هرچند در داخل کشور مانند موضوع سهم ایران از دریای مازندران اطلاعات مفید و روشنی در اختیار افکار عمومی و ملت ایران قرار نگرفت و هیچ‌یک از نهادهای مسئول حاضر به ارائه اطلاعات روشن به افکار عمومی نشدند. درباره توافق احتمالی جدید نیز تاکنون اطلاعات روشنی منتشر نشده. درحالی‌که ایران و روسیه دو رقیب در بازار فروش گاز و نفت هستند و هر نوع امتیاز ایران به روسیه می‌تواند ضررهای سنگین و چندجانبه‌ای برای کشور در پی داشته باشد. در غیاب اطلاع‌رسانی نهادهای ذی‌ربط دولتی و اعمال‌نشدن نظارت‌های لازم از سوی نهادهای ناظر از جمله مجلس فعلی بروز نگرانی‌ها در این باره افزایش یافته است. به‌ویژه آنکه در این باره گفته می‌شود درباره میدان گازی چالوس در دریای مازندران طرف روسی در حال پیشبرد مطامع و برنامه‌های خود است؛ موضوعی که ابعاد آن همچنان مبهم و نامشخص است! هرچند قانون اساسی به‌صراحت درباره منع هر نوع قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی کشور می‌شود، تکلیف نهاد حاکمیتی را روشن کرده است؛ اما سکوت معنادار نهادهای دولتی موجب گسترش شایعات نگران‌کننده در این باره شده است. لازم به یادآوری است که با ذخیره موجود میدان گازی چالوس برآورد شده، جایگاه ایران در بازار جهانی گاز به رتبه نخست مبدل می‌شود؛ اما همچنان در عمل بهره‌برداری از میدان‌های مشترک در خلیج فارس و جنوب غربی کشور با وضعیت مطلوب فاصله و شکاف عمیقی وجود دارد. ادامه در صفحه ۵

گزارشی از بیروت؛ مقصد اول وزیر امور خارجه ایران و هیئت همراه در سفر منطقه‌ای به کشورهای عربی

در جست‌وجوی صلح

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



عکس: سهند تاتی، شرق

یادداشت

تعامل فرهنگی ایران با کشور همسایه شرقی

شده بودند. نواحی جنوب خیر در تصرف حکومت انگلیسی هند بود و «افغان»‌هایی بودند با فرهنگی کاملاً متفاوت، از مردم خراسان بزرگ. ۱- از راه انتخابات و رای اکثریت که چنین رویکردی هنوز هم در افغانستان انجام نشده است. ۲- از راه اعطای حکومت محلی و استقلال از سوی حکومت مرکزی، درباره «افغانستان» دیدیم که رویکرد برعکس بود و قشون ایران در جنگ متجاسرین را بیرون راند؛ همان‌گونه نادر شاه افشار افغان‌های متجاسر را از ایران بیرون رانده و آنها را به پشت کوه‌های قندهار پسر راند و باقی‌مانده آنها را که به هند فرار کرده بودند تا دهلی تعقیب کرد و محمدشاه هندی را هم برای پناه‌دادن به متجاسرین تنبیه کرد. در حقیقت انگلیس و روس وقتی دیدند مراد میرزا خواهد توانست در جنوب تا دره‌های خیر و در شمال تا بخارا و سمرقند پیش برود با اینکه ایران در هنگام پیروزی‌های مراد میرزا قدرت زمان نادر را نداشت؛ ولی انگلیس‌ها با حمله به جنوب ایران و تهدید به اسقاط حکومت مرکزی با توطئه از بازگشت بخش‌های شرقی خراسان بزرگ به ایران مانع شدند و کشوری به نام افغانستان خلق کردند.

در ایران باستان هم کوروش در دفاع از مرزهای ایران در ختن کشته شد که هنوز هم در شرقی‌ترین ایالت چین، در ارومچی و کاشغر مردم به پارسی در می‌سخن می‌گویند. در همین زمینه است که ملک‌الشعراای معری می‌سراید که: «از حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجر است.»

در دهه‌های اخیر تاریخ ناخواندگان، حتی رویدادهای دو قرن اخیر که ناگاهی آنها به میراث‌های ایرانی می‌رسد دست به سیاست‌هایی می‌زند که حتی دل وابستگان به ایران را از ایران بگریزند؛ آن‌هم خراسانی‌های فارسی‌زبانی که به زور توطئه و جعل تاریخی «افغان» نامیده می‌شوند و پشتون‌های طالبانی بر آن‌اند که آنان را «افغان» بنامند. ادامه در صفحه ۸

بنابراین تیره‌ای از پشتون‌های ساکن نواحی مرکزی ایران و هند به نام «افغان» را هم متعهد به خود کردند تا در سرزمین‌های ایرانی خراسان بزرگ برای خود به‌عنوان میراث‌خوار میرویس، محمود و اشرف افغان برای خود شریک محلی درست کنند و کشور جدیدی به نام افغانستان بسازند که بین ایران و هند انگلیس و روسیه ضربه‌گیری پوشالی باشد. و این افغان‌های پشتون در صدمت با ایران و ایرانیت از اسلاف خود مانند محمود افغان چیزی کم ندارند.

شوربختانه آخرین کوشش بزرگ‌مردان ایرانی، مانند قائم‌مقام‌فراهانی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر و مراد میرزا حسام‌السلطنه در نگهداری یکپارچگی ایران را توطئه روس و انگلیس و عوامل «افغان» آنان ناکام گذاشت. آخرین فتح نظامی هرات به دست مراد میرزا بود. این پیروزی که با استقبال شایان مردم مواجه شد، می‌رفت کابلستان، بلخ، بخارا، سمرقند و خوارزم را هم بگشاید؛ ولی با حمله نیروی دریایی انگلیس به بوشهر و خوزستان ناکام ماند و ایران مجبور شد این کانون‌های بزرگ فرهنگ ایرانی و خاستگاه زبان دری را به روس و انگلیس واگذارد. وقایع هم‌زمان با پیروزی‌های مراد میرزا نشان می‌دهد که او نه‌تنها هرات و مناطق اطراف هریرو را آزاد کرده بود؛ بلکه همه اتباع غیرافغان از او و لشکرش پشتیبانی می‌کردند و جداکردن افغانستان به خواست و اراده مردم نبوده و فقط به ضرب نیروهای نظامی و سیاسی قدرت فائقه استعماری انگلیس انجام شد. در این ماجرا روس‌ها هم با مصالحه انگلیس قسمت‌های شمالی‌تر شامل سمرقند و بخارا و خیره را تصاحب کردند! حال آنکه از دیدگاه سوابق تاریخی زمانی پاره‌ای از تمامیت یک کشور جدایی قانونی می‌یابد که از یکی از سه راه زیر انجام شود:

۱- از راه ابراز اراده عمومی ساکنان محلی با شورش پیروز بر قوای نظامی حکومت مرکزی که ساکنان به‌اصطلاح محلی پشتون‌هایی بودند که از جنوب کوه‌ها و دره‌های خیزر آورده

علی شمس‌اردکانی

در نیم‌قرن اخیر هر روز خبری از اغتشاش و درگیری در همسایه شرقی ایران می‌رسد و لاجرم همه در جست‌وجوی آثار چنین رویکردهایی در رابطه با ایران برمی‌آیند. بخش بزرگی از پدیده‌های ناآرامی در «کشور افغانستان» به‌ویژه در حوزه مهاجرت، مهاجران و آوارگان «افغان» و اثر آن در اقتصاد اجتماعی کشورمان رخ‌نمون می‌شود. بوروکرات‌های دولت، این آوارگان را بیگانه می‌پندارند و حضور آنان را برنمی‌تابند و مردمان را هم به پذیرش این باور رهنمون می‌شوند. چندان که در بیگانه‌شمردن «افغان»‌ها را همانند اتباع دیگر کشورها مثل میانمار و گواتمالا می‌شمارند؛ ولی واقعیت استثنائی افغانستان به‌عنوان یک کشور در این است که عمده پهنه این «کشور» پاره بزرگی از «خراسان بزرگ» است.

این واقعیت را حتی خشک‌سرتین دشمنان ایرانیت مانند فرقه «داعش» و برداران وهابی آنها می‌فهمند و خود را «داعش خراسان» می‌نامند. خراسان تاریخی تا حدود ری می‌رسید که هرات، بلخ، کابل، فاریاب، بامیان، غور، نیمروز و زابلستان و بخارا و سمرقند و خیره و خوارزم را هم شامل می‌شد که نقش این نواحی در ایجاد و نگهداری تمدن ایرانی و به‌ویژه در پایداری زبان پارسی کمتر از اصفهان، شیراز، ری، تبریز یا کرمان نبوده است. افغانستان یک نام من‌درآوردی است که مرده ریک شوم توطئه‌های انگلیس و سپس روس‌ها برای حفظ سلطه بر هندوستان و آسیای مرکزی بود. این دو کشور استعمارگر می‌دانستند که فرهنگ و زبان پارسی از راه افغانستان زبان رسمی شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی شده بود؛

مبادله نابرابر و مزیت نابرابر

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

گاهی نابرابری به معنی مبادله نابرابر به کار برده می‌شود؛ یعنی در رابطه‌ای اقتصادی یا کاری دو طرف در وضعیت برابری قرار ندارند و یکی از طرفین قدرت و یکی دیگر وابستگی بیشتری پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال گفته می‌شود رابطه کارگر با سرمایه‌دار رابطه‌ای نابرابر است؛ یعنی دو طرف از قدرت برابری در مبادله برخوردار نیستند. این نوع نابرابری مستقیم است؛ یعنی در یک رابطه دوطرفه وجود دارد. این مسئله در ادبیات مارکسیستی به این معنا است که دستمزد کارگر از طرف سرمایه‌دار عادلانه و براساس ارزشی که تولید می‌کند، پرداخت نمی‌شود. اعتراضاتی که کارگران دارند، پیش از همه به این نوع نابرابری اشاره دارد. گاهی با اجرای ناقص قانون کار، این مبادله نابرابر شکل بهره‌کشی به خود می‌گیرد. نیروی کاری که بدون بیمه کار و قرارداد تنبسی کار می‌کند، در بخش‌های زیادی از جامعه وجود دارد؛ از کارگاه و کارخانه گرفته تا مدارس غیردولتی؛ اما نابرابری گاهی به شکل غیرمستقیم در ساختار اجتماعی و اقتصادی وجود دارد؛ یعنی نابرابری بدون هیچ‌گونه رابطه و مبادله مستقیم بین دو طرف شکل می‌گیرد. نظام پرداخت دستمزد در یک کشور مثال خوبی در این زمینه است. برخی کارکنان اداری در نظام دستمزد مزیت بیشتری در مقایسه با بقیه در شرایط کاری مشابه دارند. در برخی سازمان‌ها و وزارتخانه مزیت‌های مالی و رفاهی بیشتری وجود دارد؛ یعنی در نظام پرداخت مزیت ناعادلانه برای برخی در شرایط مشابه وجود دارد اما مزیت نابرابر فقط مربوط به دستمزد نیست. بودن در برخی شرایط اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی مزیتی برای برخی ایجاد می‌کند. زندگی در یک شهر بزرگ که دارای فرصت‌های آموزشی باکیفیت است، مزیتی برای برخی ایجاد می‌کند که باعث راهیابی به دانشگاه‌های بهتر و باکیفیت و پیشرفت شغلی می‌شود.

گاهی وابستگی به یک ایدئولوژی خاص مزیت‌های بیشتری برای برخی ایجاد می‌کند. در برخی محیط‌های اداری سرسپردگی به ایدئولوژی خاص باعث پیشرفت شغلی می‌شود و افراد برای پیشرفت در شغل به جای کار دقیق‌تر و بهتر درگیر انواع رابطه‌ها و تظاهر به ایدئولوژی خاصی می‌شوند که از این راه می‌توانند ترقی در محیط کار داشته باشند و کسانی که بیشتر وقت خود را کار مفید انجام می‌دهند، از این مزیت که بتوانند ترقی کنند، بازمی‌مانند. بر همین اساس است که ساعت کاری مفید در سازمان‌های اداری کم است؛ چون کارکنان دلیلی برای کار بیشتر و با بهره‌وری بیشتر ندارند و احساس می‌کنند پیشرفت شغلی آنها وابسته به چیز دیگری است؛ یعنی این‌گونه می‌اندیشند که با کار دقیق و انجام وظایف باکیفیت نمی‌توانند به مدارج بالاتر شغلی دست یابند. این شبکه روابط و سرسپردگی و اعلام وفاداری به گروه‌های خاص است که چنین امکانی را برای آنها فراهم می‌کند.

چنین مسائلی باعث شده افراد احساس نابرابری کنند. مزیت نابرابری در کشور وجود دارد. کسانی که شبکه روابط در سلسله‌مراتب بالای اداری دارند، از مزیت بیشتری برای استفاده از منابع سازمان برخوردار می‌شوند. زمانی وضعیت بدتر می‌شود که برخی افراد جامعه این‌گونه تصور می‌کنند که هم در مبادله نابرابری قرار دارند و هم مزیت‌های نابرابری برای گروهی از افراد جامعه وجود دارد و این مزیت نابرابر امکان تحرک اجتماعی برای فرزندان آنها ایجاد نمی‌کند. در دو دهه قبیل تحصیلات به‌ویژه تحصیلات عالی یکی از مسیرهایی بود که امکان تحرک اجتماعی برای افراد ایجاد می‌کرد؛ اما امروز دیگر امکان غلبه بر نابرابری از طریق آموزش عالی کم‌رنگ‌تر شده است. باید به اصلاح چنین شرایطی دست زد. نخست اینکه باید نظام دستمزد و پاداش اصلاح شود. دوم، با سازوکارهای مختلف از نابرابری بر مبنای مزیت نابرابر کاست. مسئله عدالت فقط با دادن پارتیه حل نمی‌شود؛ بلکه تدبیر کامل‌تر و جامع‌تری نیاز است که به هر دو مؤلفه مبادله نابرابر و مزیت نابرابر توجه شود. دست‌کم با وضع قوانین و دستورالعمل‌ها مزیت‌های نابرابر برخی را بیشتر نکنیم.

یادداشت‌های روزانه
ماشمی رفسنجانی

۱۳۸۰

خرید از
کتاب‌فروش شرق